

ترانهٔ میثاق

نشر و قلم

جزوه اول

مؤسسه ملی مطبوعات امری

۱۲۲- بیع

برای تعیین جانشین حضرت ولی امرالله ارواحنا
 لترتبه الفداء درالواح مقدسه مبارکه * وصایای حضرت
 عبدالبهاء شرائطی مقرر شده که تجاوز از آن بهیچوجه
 من الوجوه امکان پذیر نبوده و نخواهد بود زیرا منصوص
 قلم معجزشیم سرالله الاکرم و غصن الله الاعظم است
 قوله الاحلی :

” و من بعده بکرا بعد بکر یعنی در سلاله او . . .
 اگر ولد بکر ولی امرالله مظهر الولد سرابیه نباشد
 یعنی از عنصر روحانی او نه و شرف اعراق باحسن اخلاق
 مجتمع نیست باید غصن دیگر را انتخاب نماید و ایا دی

امرالله از نفس جمعیت خویش نه نفر انتخاب نمایند و همیشه بخدمات مهمه ولی امرالله مشغول باشند . . . و این نه نفر یا بالاتفاق یا باکثرت آراء باید غصن منتخب راکه ولی امرالله تعیین بعد از خود نماید تصدیق نمایند و این تصدیق باید بنوعی واقع گردد که مصدق و غیر مصدق معلوم نشود .

از این بیانات متعالیه مبارکه بالضراره و من

دون ابهام مستفاد میشود که :

اولا - ولی امرالله باید ولد بکر یعنی پسر ارشد حضرت غصن ممتاز شوقی افندی ربانی باشد و در سلالسه او جل ثنائیه تسلسل یابد .

ثانیا - اگر ولد بکر مظهر الولد سر آیه نباشد و شرف اعراق با حسن اخلاق در وجود او اجتماع نیابد غصن

دیگر انتخاب گردد .

ثالثاً - ۹ نفر از ایادی امرالله که منتخب جمعیت
ایادی هستند غصن متخبیرا " که ولی امرالله تعیین
بعد از خود نماید " تصدیق نمایند .

پس هر کس بخواهد بر خلاف نصوص مبارکه مزبوره
تَفَوُّه بحرفی نماید و درین باب ، باب تأویل بگشاید و
صراط مستقیم و مذهب قویم تعالیم الهی را رها نموده
از راههای هولناک بر خم و پیچ شبهات برود و انظار
یاران الهی را از این بیانات واضحه صریحه بتفا سیر
عجیبه که بر خلاف نص صریح وصایای مبارکه است
معظوف سازد مسلماً جز تولید نفاق و شقاق در امر
مقدس نیر آفاق نیتی ندارد و بدون شك مظهری از
مظاهر مرکز نقض شود . حضرت عبدالبهاء ارواحنا

چون شرائط تعیین جانشین بنحویکه مخصوص
الواح مبارکه وصایای حضرت عبدالبهاست فراهم
نبود حضرت ولی امرالله تکلیف احباب را در پیام
مبارک مورخ جون و اکتبر ۱۹۵۷ کاملاً روشن و معین
فرمود و سفینه نجات را در وسط دریا بحال خود رها
نمود و علیرغم تصورات واهیة نفوس مغرضه مفسده
مولای توانا اهل بها را بخود وانگذاشت .
دراین دو پیام منیع که ایامی چند قبل از صعود
مبارک خطاب باحباب رب الارباب در شرق و غرب
و جنوب و شمال صادرگشته چنین میفرمایند قولسه

الاحلی :

” موء سسه ایادی امرالله که تأسیسی الهی و بموجب الواح وصایای مرکز عهد و پیمان رحمانی و وظیفه خطیر و مهم صیانت و تبلیغ امر حضرت بها ء الله را عهده دار میباشد اکنون در سبیل انجام وظائف مقدسه ء خویش وارد مرحله ء جدیدی گردیده و علاوه بر مسوء لیت قطعی و مسلمی که اخیراً نسبت بمعاضدت و مساعدت محافل روحانیه ملیه عالم بهائی در اجرای سریع جهاد جهانی روحانی بآن موء سسه محول شده از این به بعد وظیفه ء اولیه حفظ و صیانت جامعه ء بهائی عالم رانیز با همکاری نزدیک و مستمر همان محافل ملیه عهده دار خواهد بود . . . در چنین موقعیت خطیر و حساس . . . باید بین

ایادی امرالله در قارات خمه و نمایندگان
 منتخب جامعه های ملی بهائی در سراسر عالم ارتباط
 و همکاری نزدیکی برقرار گردد و مشترکاً نسبت به
 عملیات و فعالیتهای دشمنان داخلی مراقبت شدیدتری
 مبذول دارند و با اقدامات حکیمانه و موثر خویش
 نقشه های خائنانه اعدا را برهم زده و جامعه
 بیروان امرالله را از مکاید این قوم پرلوم صیانت و از
 بسط و انتشار مقاصد سوء آنان جلوگیری نمایند .

(پیام مبارک ۴ جون ۱۹۵۷)

” پیشرفتی چنین حیرت انگیز در میدانی چنین
 وسیع که در مدتی کوتاه بدست آمده بی قلیل از نفوس
 دلیر بحصول پیوسته سزاوار و در واقع مستلزم آنست
 که در این مرحله از تکامل جهاد دهساله با اعلان

قدم دیگری در توسعه * تدریجی یکی از مو* سسات
 اصلی و مرکزی که مخصوص قلم اعلی و مو* ید بالسواح
 مقدسه وصایای حضرت عبدالبها* ست تجلیل گردد
 بدین معنی که با تعیین عده دیگری از ایادی امرالله
 غد حارسان مدنیت جهانی حضرت بها* الله که در
 مرحله * جنین است The Chief Stewards

of Baha'u'llah's Embryonic World
 Commonwealth

و بنص كلك اطهر مرکز میثاق وظائف دو گانه * صیانت
 امرالله و تأمین نشر و تبلیغ دین الله بآنان محول
 گشته به سه دفعه ۹ افزایش میابد (۱)

در همین پیام منبع مهیمن بود که هیکل مبارک
 هشت نفر بر تعداد ایادی امرالله افزوده و چنین
 میفرمایند :

" اضافه شدن این عده به جمع صاحب منصبان
 عالیرتبه * نظم سریع التکامل اداری جهانی که در عین
 حال متضمن توسعه بیشتر مو * سسه عظیم الشان
 ایادی امرالله است و نظر باینکه ایادی امرالله اخیراً
 عهده دار مسو * لیت مقدس صیانت امرالله نیز گشته اند
 مستلزم آنست که این ایادی جداگانه در هر قاره یک
 هیئت معاونت که عده * اعضایش برابر با عده * اعضای
 هیئت معاونت کنونی باشد تعیین نمایند . این هیئت
 که عهده دار وظیفه * خاص مراقبت در حفظ وصیانت
 امر الهی خواهد بود مکمل هیئت اولی است که وظیفه *
 آن از این پس منحصراً موقوف به معاونت و معاضدت
 در اجرای نقشه * دهساله است . *
 پس هیکل مبارک در آخرین پیام عمومی خویش

ایادی امرالله را " حارسان مدنیت جهانی حضرت
بهاء الله " نامیده و بصریح بیان " مسو^۱ لیت مقدس
صیانت امرالله " را بعهده آنان محول و امر اکیـد
 بتعیین یک هیئت مخصوص در هر قاره برای حفظ
 و صیانت امر الهی صادر فرموده اند

بدلول این پیام صریح و اکید مبارک بلافاصله بعد از
 عروج طیر بقا بملکوت ابهی حضرات ایادی امرالله در -
 قصر مبارک بهجی مجتمع شدند و بعد از دعا و توجه
 و مناجات و تضرع از میان خود ۹ نفر را برای اقامت در
 ارض اقدس تعیین نمودند و تمام محافل ملیه طی سند
 رسمی بالوکاله از جمیع بهائیان جهان مراتب انقیاد
 و بستگی خود را بمو^۲ سسه ایادی امرالله اظهار و ابراز
 کردند و حضرات ایادی امرالله من دون استثناء متفقاً

متحداً در اولین پیام خود بدنیای بهائی این نکته را یاد آور شدند که تا سال ۱۹۶۳ یعنی تا پایان نقشه دهساله جهاد کبیر اکبر تمام مجهودات و کلیه اهتماماتشان مصروف اجرا و تنفیذ این نقشه الهی خواهد بود و بعد صریحاً اعلان نمودند که در سال ۱۹۶۳ بیت العدل اعظم آن هیئت معصوم و مطهر بر حسب نصوص مبارکه تأسیس خواهد شد و بشارت لوح مبارک کرمل باحسنها و اکملها تحقق خواهد یافت تا آنچه را حضرت ولی امرالله ارواحنا لتربته الفداء در لوح مبارک مورخ نوروز ۱۱۰ و پیام اکبیر ۱۹۵۷ بیان فرموده اند بمنصه ظهور آید قولسه الاحلی :

” و این جهاد جهانی روحانی نیز بنفسه

مقدمه تأسیس و استحکام نظم بدیع الهی و اقامه
 ارکان دیوان عدل الهی در جمیع ممالک و بلدان عالم
 است (۱)

” و ارتفاع و اکمال دارالانار بین المللی
 بهائی . . . در اوج اعتلای خود مبشر و منادی تأسیس
 و استقرار مرکز نظم جهان آرای جنینی حضرت بهاء الله
 در دامنه کرمل و در مقابل قبله اهل بهاء است ” (۲)
 بحمد الله در رضوان سال ۱۹۶۳ یعنی بعد از
 انقضای یک قرن کامل شمسی از ظهور علنی جمال
 اقدس ابهی اعضاء ۵۶ محفل ملی در ارض میعاد

(۱) - لوح مبارک نوروز ۱۱۰

(۲) - ترجمه پیام اکتبر ۱۹۵۷

(۱۵)

در دامنه جبل کرمل در بیت مبارک حضرت عبدالبهاء
که مولای توانا حضرت ولی امرالله نیز سی و شش سال
از همان مکان مقدس امر اعزّ اقدس را اداره فرموده اند
بعد از تشرف باعتاب مشرفه روضه مبارکه و مقام اعلی و
مرقد منور حضرت مولی الوری و توجه بملکوت ابهسی از
میان تمام یاران حضرت رحمن در سراسر جهان نه نفر
را بعضویت اولین بیت العدل اعظم الهی انتخاب
نمودند و سفینه الله را بر جبل کرمل و کوه خدا جاری
ساختند و دنیای بهائی بنور عصمت موهوبی روشن
و منیر گردید .

(۳)

حضرت عبدالبهاء در اظلم ساعات حیات

مبارک خویش و در بحبوحه طوفان انقلاب در زمان
 حکومت استبدادی عبدالحمید و در واقعه فتنه مفتشین
 بجناب حاج وکیل الدوله افغان مؤسس مشرق الاذکار
 عشق آباد دستور فرمودند که اگر بر هیکل اطهر ضری
 وارد شود مبادرت با انتخاب بیت العدل اعظم گردد
 همچنین حضرت مولی الوری در یکی از الواح مبارک
 منیعه که حضرت ولی امرالله در تاریخ ۱۳۰۱ هجری
 شمسی صورت آنرا بایران برای نشر بین یاران فرستاده
 اند چنین میفرمایند قوله الاحلی :

” بیت العدل اعظم بترتیب و نظامیکه در
 انتخاب مجالس در اروپا انتخاب میشود انتخاب گردد
 و چون مالک مهتدی شود بیوت عدل مالک بیت العدل
 اعظم را انتخاب نماید و در هر زمان که جمیع احبائه

در هر دیار و کلاهی تعیین نمایند و آنان نفوسی را
 انتخاب کنند و آن نفوس هیئتی را انتخاب نمایند آن
 بیت العدل اعظم است و الا تأسیسش مشروط بایمان
 جميع ممالك عالم نه، مثلاً اگر وقت مقتضی بود و فساد
 نداشت احبای ایران و کلاهی انتخاب مینمودند و
 احبای امریک و هند و سائر جهات نیز و کلاهی انتخاب
 مینمودند و آنان بیت العدلی انتخاب مینمودند آن
 بیت العدل اعظم بود و السلام " ع ع

در الواح و صایای مبارکه چنین میفرمایند قوله

الاحلی :

" . . . اما بیت عدل الذی جعله الله مصدر

کل خیر و مصوناً من کل خطاء باید بانتخاب عمومی یعنی
 نفوس مؤمنه تشکیل شود و اعضاء باید مظاهر تقوای

الهی و مطالع علم و دانائی و ثابت بر دین الهی
 و خیر خواه جمیع نوع انسانی باشند و مقصد بیت
 عدل عمومی است یعنی در جمیع بلاد بیت عدل
 خصوصی تشکیل شود و آن بیوت عدل بیت عدل عمومی
 انتخاب نماید مراد بیت العدل عمومی است که از
 طرف جمیع بلاد انتخاب شود یعنی شرق و غرب احسا
 کسه موجودند بقاعده انتخاب مصطلحه در بلاد
 غرب نظیر انگلیس اعضای انتخاب نمایند . . . " انتهى
 چون شرائط انتخاب و تأسیس بیت العدل اعظم
 الهی بر وفق نصوص مبارکه آسمانی در سال ۱۹۶۳
 کاملاً فراهم بود این مجمع معصوم بفضل و عنایت
 حی قیوم بوجود آمد و جمعی کثیر از دوستان رب
 قدیر در کنگره جهانی بملاقات اعضاء مجلله آن

(۱۹)

هیئت ملهمه فائز گشتند .

(۴)

جمال اقدس ابهی بنفسه المقدس به بیت العدل
اعظم مقام ورتبه رفیعه عنایت و در ورق هشتم از
فردوس اعلیٰ چنین میفرمایند قوله الاحلی :

” آنچه از حدودات در کتاب بر حسب ظاهرنازل
نشده باید امنای بیت عدل مشورت نمایند آنچه را
پسندیدند مجری دارند انه یلهمهم ما یشاء و هو
المدبر العلیم . ”

حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا میفرمایند
قوله الاحلی :

” فرع مقدس و ولی امرالله و بیت عدل عمومی

که بانتخاب عموم تأسیس و تشکیل شود در تحت حفظ و صیانت جمال ابهی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلی روحی لهما الفداست آنچه قرار دهند من عند الله است من خالفه و خالفهم فقد خالف الله بیت عدل الذی جعله الله مصدر کل خیر و مصونا من کل خطا ”

و نیز در لوحی دیگر چنین میفرمایند قوله جل ثنائه :

” و همچه ملاحظه نشود که بیت العدل بفکر

و رأی خویش قراری دهد استغفر الله بیت العدل

اعظم بالهام و تأیید روح القدس قرار و احکام جاری

نماید زیرا در تحت و قایت و حمایت و صیانت جمال قدم

است و آنچه قرار دهد اتباعش فرض مسلم و واجب

متحتم است ابداً مفری از برای نفسی نه قسلی یا
 قوم ان بیت العدل الاعظم تحت جناح ریکم الرحمن
 الرحیم ای صونه و حمایته و حفظه و کلاسته لانه امر
 المؤمنین الموقنین باطاعة تلك العصبة الطاهره
 و الثلة المقدسة القاہره فسلطنتها ملکوتیة رحمانیة
 و احکامها الهامیة روحانیة ”

و نیز در لوحی دیگر میفرمایند قوله الاحلی :

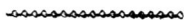
” بیت العدل اعظم در تحت حمایت و عصمت
 و عفت سلطان احدیت است و او را صیانت از خطا
 فرماید و در ظل جناح عفت و عصمت خویش محافظه
 نماید هر کس مخالفت کند مردود گردد و عاقبت

مقهور شود . ” (مکاتیب مبارک ج ۳ ص ۵۰۱)

همچنین در کتاب مستطاب مفاوضات میفرمایند

قوله الاحلی :

” آنچه منصوص کتاب نه و بیت العدل باتفاق
 آراء، یا اکثریت در آن قراری دهد آن قرار و حکم
 محفوظ از خطاست حال اعضای بیت عدل را فرداً
 فرد عصمت ذاتی نه و لکن هیأت بیت عدل در تحت
 حمایت و عصمت حق است این را عصمت موهوب نامند .
 پس عصمت موهوبی از ساحت جمال قدم جل
 شأنه الاکرم به بیت العدل اعظم عنایت شده و حضرت
 عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله نیز در الواح عدیده
 این موضوع مهم را شرح و بیان و تأکید و توضیح
 فرموده اند و عصمت آن مقام رفیع بهیچ وجه من
 الوجوه مشروط بشرطی نبوده و نیست .



حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا

میفرمایند قوله الاحلی :

” این مجمع مرجع کل امور است و مؤسس

قوانین و احکامیکه در نصوص الهی موجود نه و جمیع

مسائل مشکله درین مجلس حل گردد . . . این بیت

عدل مصدر تشریح است . . . هر مسئله غیر منصوصه

راجع به بیت عدل عمومی به بیت عدل آنچه

بالاتفاق و یا باکثرت آراء تحقق یابد همان حق

و مراد الله است من تجاوز عنه فهو ممن احب الشقاق

و اظهر النفاق و اعرض عن رب الميثاق . . . و آن

اعضاء در محلی اجتماع کنند و در آنچه اختلاف واقع
یا مسائل مبهمه و یا مسائل غیر منصوصه مذاکره نمایند
و هر چه تقرر یابد همان مانند نص است و چون
بیت عدل واضح قوانین غیر منصوصه از معاملات تست
ناسخ آن مسائل نیز تواند بود ”

حضرت ولی امرالله در توفیق منبع مورخ ۲۷
نومبر ۱۹۲۹ میفرمایند قوله الاحلی :

” این معهد اعلی سرچشمه اقدامات

و اجرائات کلیه بهائیان است و معین و مرجع این
عبد ناتوان ”

و نیز در توفیق منبع مورخ ۱۵ شباط ۱۹۲۲

میفرمایند قوله عزبیانه :

” . . . تکلیف شدیدم آنست که افکار را حصر

نموده . بتمام قوی و بمشورت احبائه متوجهاً الیه
و معتمداً علیه تمهیدات مهمه لازمه از برای تشکیل
آن مرجعیکه در مستقبل حلال مشکلات و واضح احکام
و شرائع غیر منصوصه و مبین امور مبهمه است حتی
المقدور فراهم آرم ” انتهى

حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا
میفرمایند قوله الاحلی :

” . . . اساس عقاید اهل بهاء روحی لهم الفداء
حضرت رب اعلی مظهر وحدانیت و فردانیت الهیه
و مبشر جمالقدم حضرت جمال ابهی روحی لاحبائه

الثابتین فدا" مظهر کلیه الهیه و مطلع حقیقت
 مقدّسه ربانیه و ما دون کل عباد له و کل بامرہ یعملون
 مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه راجع
 به بیت عدل عمومی . . ."

در لوحی دیگر میفرمایند قوله عز بیانہ :

" . . . الحمد لله اسباب اختلافی نہ حضرت

اعلیٰ صبح حقیقت روشن و تابنده بر جمیع ارجاء
 و مبشر نیر اعظم ابہی و جمال مبارک موعود جمیع کتب
 و صحف و زبر و الواح و ظہور مجلی طور در سدرہ
 سینا و ما عداہ کل بنده آستانیم و احقر یاسبان ظہور
 منتهی بمکرم طور شد و تا ہزار سال بل صد ہزار سال
 این کور امتداد خواهد یافت مقصود این است کہ قبل
 از الف کسی سزاوار تکلم بحرفی نیست ولو مقام ولایت

باشد کتاب اقدس مرجع جمیع امم و احکام الهی در
آن مصرّح احکام غیر مذکورہ راجع بقراریت العدل
دیگر اسباب اختلافی نہ و من يتعدّ بعد ذلک
فاولئک هم الناعقون و اولئک هم الظالمون و اولئک
هم الاعداء المبغضون زنیہار زنیہار مگذارید نفسی
رخنہ کند و القاء فتنہ نماید اگر اختلاف آرائی
حاصل گردد بیت العدل اعظم فوراً حل مشکل
فرماید و اکثریت آراء آنچه بیان کند صرف حقیقت
است ”

و در نطق مبارک کہ در تاریخ ۱۹ جون ۱۹۱۲

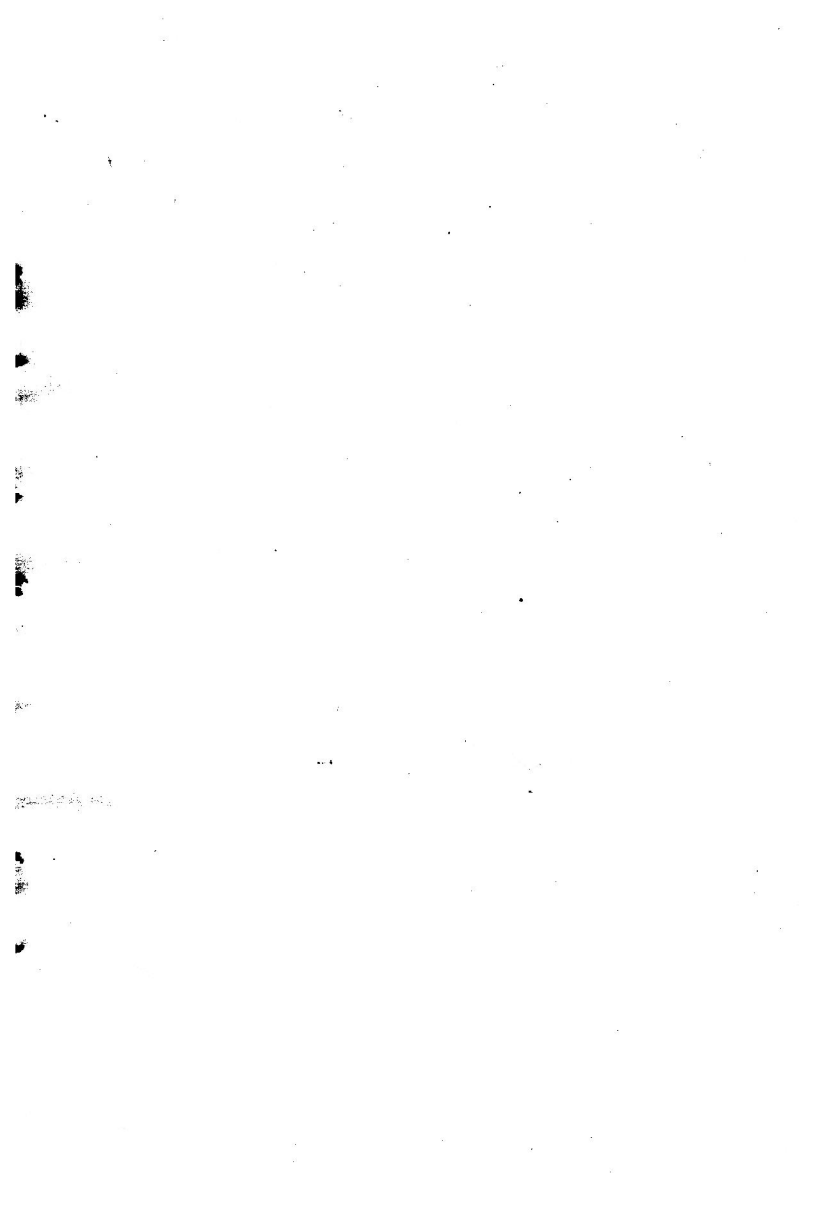
در امریکا القا فرمودہ اند چنین میفرمایند :

” . . . عبد البہاء مبین کتاب اوست و مرکز

عهد او کہ عند الاختلاف باید رجوع باو شود اگر

کمی تجاوز نماید مقبول درگاه بهاء الله نه بعد از
 عبدالبهاء هر وقت بیت العدل عمومی تشکیل شود
 دافع اختلاف خواهد بود " انتهى
 این بیانات مبارکه بقدری واضح و صریح است
 که احتیاج بتوضیح و تشریح ندارد و اصول دین
 و اساس عقائد اهل بهاء در آن مّصرّح فطوبسی
 للعاطین .

جزوه ثانی



حضرت عبدالبهاء میفرماید قوله الاحلی :

” حال بشکرانه ، این الطاف باید بخدمت حضرت بدیع الاوصاف پرداخت و بر ثبوت بر میثاق قیام نمود تا وحدت بهائی محفوظ و مصون ماند . ملاحظه کنید بهیچ قوهئی ممکن است وحدت بهائی را محافظه کردن مگر بقوه میثاق ؟ اگر ادنی تهاون و فتوری حاصل گردد شبیهات تمام قوت بقلوب خطور نماید و مذاهب مختلفه ظهور کند و امرالله بکلی محو و نابود شود قوه میثاق است که آفاق را باهتزاز آورده زیرا در جسم امکان عرق شریان است که نابض است و قابض و کافل جمیع امور و ضابط

امور جمهور و قوه ارتباطیه در میان عموم . ” (۱)

و نیز میفرمایند قوله جل ثنائه :

” میثاق مانند دریاست که وحدت بهائی را حفظ مینماید ..

دریای میثاق باقی و برقرار زیرا وحدت بهائی را محافظه

مینماید .. امروز رب الجنود حامی میثاق است و قوای

ملکوت محافظ میثاق و نفوس آسمانی خادم میثاق و فرشته های

ملکوتی مروج میثاق بلکه اگر بیدیده بصیرت نظر شود

جمع قوای عالم بالنتیجه خادم میثاق . ” (۲)

و نیز میفرمایند قوله الاحلی :

” دریای میثاق الی الابد بمرمج است و در جوش و خروش ..

از اول ابداع تا یومنا هذا در ظهور مظاهر مقدسه چنین

(۱) مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد سوم صفحه ۲۵۹

(۲) مائده آسمانی جلد نهم

عهد محکم متینی گرفته نشده .. قوه میثاق مانند حرارت
آفتاب است که جمیع کائنات ارضیه را تربیت نماید و نشو و
نما بخشد بهمچنین نور میثاقی عالم عقول و نفوس و قلوب
و ارواح را تربیت نماید .” (۱)

و همچنین میفرمایند :

” در هر کور اگر چه امر الله ظاهر ولی بوضوح این کور اعظم
در هیچ کوری امر واضح و عیان نبوده چه که این دور
مبین در جمیع شئون ممتاز و در کل مراتب بی مثیل و بی
نظائر و اشباه و در این کور نیز هیچ امری بوضوح و ثبوت
و قوت و عظمت عهد و میثاق نه .. مختصر اینکه از اول ابد
تا بحال چنین عهد صریحی و پیمان واضحی و میثاق

آشکاری و اقم نشد و ظهور نیافت . ”

حضرت ولی امر الله جل ذكره در لوح مبارك قرن میفرمایند
 قوله الاعلی : ” این اسارت و محبوسیت در مدت سه سال در
 دوقلعه ما کووچهریق .. نتیجه اش صدور کتاب بیان و تشریح
 احکام .. و تأسیس میثاق رب اعلی و بشارت بظهور من یظهره
 الله .. و اعلان قائمیت بی پرده و حجاب در عاصمه ایالت
 آذربایجان در مجلس حکومت در محضر ولیعهد و علمای شیخیه و
 فقها و مجتهدین عظام بواسطه نفس مظهر ظهور گشت
 قبل از افول شمس حقیقت از مغرب این زندان کتاب عهد باثر
 من قلمه المبارک الشریف اتماما للحجه و اکمالا للنعمه تا زل
 گشت جمال قیوم عهد وثیق از بیروان امر مقدسش بگرفت و میثاقی
 غلیظ بنهاد . ” انتهى از بیانات متعالیه مقدسه مزبوره عظمت
 مقام و رفعت مرتبت عهد و میثاق الهی در این کور مبارک بخوبی

واضح و عیان است و محتاج بشرح و بیان نیست .

(۸)

حضرت بهاء الله جل ذكره الاعلى میفرماید قوله

الاعلى :

” من وفى بعهد الله انه من اهل البهاء و الذى

نقض ليس له اليوم من لدنا من وال .”

” الهى الهى احفظ عبادك بجودك و كرمك من

شر اعدائك الذين نقضوا عهدك و ميثاقك .”

” خذوا ما امرتم به و لاتتبعوا الذين نقضوا عهد الله

الله و ميثاقه الا انهم من اهل الضلال .”

” طوبى لعبد آمن و لامة آمنت و ويل للمشركين

الذين نقضوا عهد الله و ميثاقه و اعرضوا عن صراطى
المستقيم .”

” ان الذين وفوا بميثاق الله اولئك من اعلى الخلق
لدى الحق المتعال ان الذين غفلوا اولئك من اهل النار
عند ربك العزيز المختار .”

” ان الذى تزين برداء الوفاء بين الارض و السماء
يصلى عليه الملا الاعلى و الذى نقض العهد يلعنه الملك
و الملوك .” (۱)

حضرت عبد البهاء جل ذكره و ثنائيه مي فرمايند قوله

الاحلى :

” از اساس اعظم امر الله اجتناب و ابتعاد از ناقضين
است زيرا بلكى امر الله را محو و شريعت الله را سحق و جميع

(۱) از الواح عديده جمال اقدس ابهى .

زحمات را هد رخواهند داد .. روش و سلو، این حزب
 کذب بقسمی و رسمی که تیشه برشجره مبارکه است در
 اندک ایامی امرالله و کلمة الله و خویش را اگر فرصت یابند
 محو و نابود کنند لهذا باید احبای الهی بکلی از آنان
 اجتناب و احتراز نمایند و دسایس و وسوس ایشان را مقاومت
 کنند و شریعت الله و دین الله را محافظه نمایند .. حمدا
 لمن صان همیكل امره بدرع الميثاق عن سهام الشبهات
 و حمی حمی شریعتہ السمحاء و وقی محجته البیضاء بجنود
 عہودہ من هجوم عصبة ناقضة و ثلة هادمة للبنیان " (۱)
 و نیز میفرماید قوله جل ذکره :

" باید انشاء الله بقوه ملکوتیه و قوتی میثاقیه و الهاماتی

ربانیه مقاومت شبهات اهل فتور نماید زیرا همسات حضرات
 بکلی نارموقده، ربانیه رادر قلوب مخمود نماید .

و همچنین میفرمایند قوله الاحلی :

”نوهوسانی چند در فکر نقض میثاق افتادند و بیخردانی
 چند در صد دقلع و قمع این بنیان در سر بلکه الیوم چهاراً
 تیشه بر ریشه، ایمان و پیمان امرت زنند و سیف بر هیکل
 میثاقت روا دارند .“

و نیز میفرمایند قوله جل ذکره :

”بامناقین معاشرت و الفت ممکن نیست زیرا مضرت بر امر
 واقع شود مناقین در امر رخنه نمایند و بکلی اساس امر
 الهی را از ریشه براندازند الفت بامناقین مانند آن است
 که انسان ماری رادر قمیص خود بیوراند یا عقربی رادر آستین
 خود منزل دهد .. منافق سبب شود فساد عظیمی در میان

آید . ” انتهى

این بود نبذه ئی از بیانات مبارکه راجع بمخاطرات
 هالکه نقض میثاق نیر آفاق ولزوم اجتناب واحترزاز ناقضین
 برکین برای حفظ و حراست دین مبین و آئین نازنین
 حضرت رب العالمین که باید مورد توجه دوستان راستان
 حضرت رحمن در جمیع احیان قرار گیرد و آنی از نظر دور
 نشود .

” مقصود این است که یاران عهد و پیمان باید بیدار
 باشند که مبادا بعد ازین مظلوم این شخص محرك متحرك
 رخنه نماید و سرأ القای شبهات و فساد کند و یکی امرالله

را از ریشه براند از دالبته صدالبته از معاشرت او احتراز
 نمائید و دقت نمائید و متوجه باشید و جستجو و فحـص
 نمائید که اگر نفسی را سراً جهرأ با او ادنی مناسبتی آن
 شخص را نیز از میان خودتان خارج کنید زیرا فسـاد و
 فتن میشود ای احبای الهی بجان بکوشید تا امر الله
 را از هجوم نفوس غیر مخلصه محافظه نمائید زیرا چنین
 نفوس سبب میشوند که جمیع امور مستقیمه معوج میگردد
 و مساعی خیریه برعکس نتیجه میدهد .. البته هر مغرور
 که ارادهٔ فسـاد و تفریق نماید صراحة نمیگوید که غرض
 دارم لابد بوسائلی چند و بهانه‌ئی چون زر مغشوش
 تشبث نماید و سبب تفریق جمع اهل بهاء گردد مقصود
 این است که ایادی امرالله باید بیدار باشند بمحض
 اینکه نفسی بنای اعتراض و مخالفت با ولی امرالله

گذاشت فوراً آن شخص را اخراج از جمع اهل بها نمایند
و ابد ابهانه ئی از او قبول ننمایند چه بسیار که باطل محض
بصورت خیر در آید تا القای شبهات کند : (۱)

” و از غرائب و قوعات اینکه یکی از احباب گفته بود که
این رساله چگونه اوراق شبهات است با وجود آنکه صد
آیه در آن مندرج چگونه آیات بینات شبهات میشود در
جواب بفرمایند تیر شهاب رد اعلی الباب تألیف شخص
کرمانی نیز محتوی بر صد آیات بینات قرآن در این صورت
تیر شهاب را کتاب صواب باید خواند گذشته از این رساله
یکی از یحیائی که در رد جمال مبین و نبأ عظیم مرقوم
نموده جمیع اعتراضات و احتجاجات خویش را مستند
بر آیات بیان نموده و بزعم خود نصوص بیان را رد قاطع

(۱) از الواح مبارکه وصایای حضرت عبد البها

بر جمال مبارك شمرده و آیات حضرت اعلیٰ روحی لسه
 الفداء رادرج کرده درینصورت باید گفت رسالهٔ مهمله
 آن شخص کتاب مبین است یا الهام علیین و از اغرب
 غرائب آنکه اعتراضات اهل زلزال برین عبد مطابق
 احتجاجات اهل ضلال بر جمال ذو الجلال است .. و
 از اغرب غرائب آنکه سه سال قبل نوشته ئی از مدینه الله ..
 نزد جناب آقا محمد مصطفیٰ علیه بهاء الله ارسال
 میشود و از ایشان سوء ال مینمایند که این لوح مبارك
 است یا دون آن .. آن ورقه چون ملاحظه گردید بعضی
 از آثار مبارکه را برانگنده نفسی جمع نموده یعنی چند
 فقره از اینجا چند فقره از آنجا جمع نموده .. در جواب ..
 مرقوم گردید که این لوح بعض فقراتش از جمال قدم و
 بعضی نه این رابعضی از متزلزلین مخصوص ترتیب

داده اند .. پس باید هرکس این نوشته در دستش آمد
محو نماید .. بکرات و مرات و تکرار گفته شد و تأکید
 گشت که این نوشته اصل ندارد بلکه ترتیب متزلزلیـن
 است و باید بکلی محو شود . ” (١)

از این بیانات مبارکه، متعالیه بالصراحه مستفاد
 میشود که احباء الهی باید از ناقضین میثاق اجتناب و احتراز
 نمایند و حضرات ایادی امرالله نفوسی را که بنمای
 اعتراض و مخالفت با ولی امرالله گذارند از جمع اهل
 بهاء اخراج کنند و دوستان رحمانی باوراق ناریه که
 متزلزلین و ناکصین عهد حضرت رب العالمین ترتیب
 میدهند ولو مشحون از آیات بینات باشد اعتنان فرمایند .

(١) از لوح مبارك ” شمس حقیقت هر چند از افق
 ناسوت افول فرمود .. ”

حضرت ولی امرالله ارواحنا لترتبه الفدا میفرمایند

قوله الاحلی :

” باید بخاطر داشت که الواح حضرت بهاء الله

بالصراحه حاکی از آن است که اعضای بیت عدل
اعظم در تمشیت امور اداری امرالله و وضع قوانین لازمه
مکمله کتاب اقدس مسئول منتخبین خود نیستند و نباید
تحت تأثیر احساسات و آراء عمومیه و حتی عقاید جمهور
موء منین و موء منات و یانفوسی که مستقیما ایشان را
انتخاب نموده اند قرار گیرند بلکه باید همواره در حال

توجه و ابتهال بحکم وجدان خویش رفتار نمایند و بسر
ایشان فرض است که باوضاع و احوال جاریه هیئت
جامعه اشنائی کامل حاصل نمایند و بقضایای مرجوعه
بدون شائبه غرض رسیدگی کنند ولی حق نهائی اخذ
تصمیم را برای خویش محفوظ دارند . کلمه مبارکه " انه
یلهمهم ما یشاء " اطمینان صریح حضرت بهاء الله باین
نفوس است و بنابراین فقط این نفوس مهابط هدایست
و الهامات الهیه اند نه هیئت منتخبین که رأساویا بطور
غیر مستقیم ایشان را انتخاب مینمایند و این الهام
هماناروح حیات و حافظ نهائی این ظهور اعظم است .
عصر تکوین دور بهائی بارتفاع نظم اداری مخصوص
گشته و این نظم بمشابه صدفی برای حفظ و صیانت
گوهرگرانبهای امرالله است و بمرور زمان واضح و مبرهن

خواهد شد که این نظم عامل اصلیه‌ی است که این
 شرع انور را بمرحلهٔ نهائی وارد خواهد کرد. " (١)
 در خاتمهٔ این رساله چند فقره از بیانات مقدسه
 راجع بنظم بدیع حضرت بهاء الله نقل میشود لیکن
 ختامه مسک :

حضرت رب اعلی میفرمایند قوله عز بیانه :

" طوبی لمن ینظر الی نظم بهاء الله ویشکره .. " (٢)

جمالقدم جل اسمہ الاعظم میفرمایند قوله الاعلی :

" قد اضطرب النظم من هذا النظم الاعظم و اختلف

الترتیب بهذا البدیع الذی ما شهدت عین الابداع

شبهه " (٣)

(١) از ترجمهٔ رساله مبارکه دوربهای
 (٢) باب ١٦ از واحد سوم کتاب مستطاب بیان فارسی
 (٣) کتاب اقدس

حضرت ولی امرالله ارواحنا لترتبه الفداء میفرمایند

توله جل ثنائہ :

” قوه قدسیه که در مدینه طیبه شیخراز
نقطه بیان در سنه ستین بان بشارت داده و در سنه
تسع در ارض مقدسه در زندان طهران متولد
گشته و تصرفات اولیه اش در مدینه الله نمودار
گشته و در ارض سر در سنه ثمانین بمنتهی
درجه قدرت در حقائق کائنات سر بیان و نفوذ
نموده و در ایام قیادت مرکز میثاق از سجن
اعظم بجهان فرنگ سرایت کرده و اقالیم غریبه
را بحرکت آورده پس از افول کوكب میثاق
این قوه ساریه دافعہ نافذہ در مشروعات و
مؤسسات بهید پیروان امر خداوند یگانه حلول

(٤٦)

نمود و مجسم و مشخص و مصور گشت . " (١)

طهران

شهر الملک ١٢٢

علی اکبر فروتن

(١) لوح مبارک قرن